

بررسی روابط ایران و روم در سده یکم پیش از میلاد (با تأکید بر جنگ‌های مهرداد)

محمد ملکی؛* پرویز حسین طلائی؛** علیرضا سلیمان زاده***

چکیده

نخستین ارتباط دیپلماتیک بین ایران و روم در نتیجه تلافی منافع اشکانیان با روم در آسیای کوچک شکل گرفت. اتحاد مهرداد ششم (پونتی) با تیگران دوم (ارمنی) در دخالت آن‌ها در امور کاپادوکیه باعث شد پای روم به سرزمین‌های آسیای کوچک باز شود. ورود رومی‌ها به این منطقه باعث به وجود آمدن چالشی در روابط ایران و روم شد که تا پایان اشکانیان ادامه پیدا کرد. از این رو هدف این پژوهش تبیین و بررسی روابط ایران و روم در دوران جنگ‌های مهرداد است. بررسی این مسئله با رویکرد توصیفی و تحلیل تاریخی بیانگر آن است که پس از مهرداد دوم و ظهور مدعیان سلطنت، شاهنشاهی اشکانی دچار ضعف و زوال شد. در چنین موقعیتی از طرفی، روم سعی در نفوذ در آسیای کوچک و قفقاز را داشت و از سوی دیگر تیگران دوم ابتدا از این فرصت برای حمله به قلمرو اشکانیان و توسعه نفوذ خود به سمت غرب و سوریه استفاده کرد و در ادامه از طریق اتحاد با مهرداد ششم با روم درگیر شد و اشکانیان با در پیش گرفتن سیاست موازنه منفی در قبال جنگ‌های مهرداد، به فاصله اندکی توانستند دوباره پایگاه‌های پیشین خود را در آسیای کوچک و قفقاز به دست آورند.

واژه‌های کلیدی: ایران، روم، تیگران دوم، مهرداد ششم، جنگ‌های مهرداد.

* دانش آموخته دکتری تاریخ ایران باستان گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه.

mohammadmaleki@ut.ac.ir

** نویسنده مسؤل: عضو هیات علمی گروه تاریخ، دانشگاه باهنر کرمان. parviztalae@uk.ac.ir

*** عضو هیات علمی گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان. soleymanzade@lihu.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ | DOI:10.29252/HSOW.5.1.119

مقدمه

در اوایل قرن یکم پیش از میلاد رومیان درصدد نفوذ در آسیای کوچک بودند. در این زمان در آسیای کوچک علاوه بر ارمنستان و چند کشور کوچک یونانی‌نشین در سواحل دریای سیاه و دریای مدیترانه دو دولت ایرانی‌نشین نیز وجود داشت که یکی پونت و دیگری کاپادوکیه بود. پادشاهان پونت و شاهان کاپادوکیه با شاهان سلوکی روابط دوستانه برقرار کردند و این دوستی‌ها به حدی بود که به پیمان‌های وصلت شاهزادگان پونت و کاپادوکیه با دختران شاهان سلوکی انجامید. این دولت‌ها در زمان اشکانیان نیز همچنان به قدرت خود ادامه دادند تا این‌که نیرومندترین پادشاه پونت یعنی مهرداد ششم (۱۲۱-۶۳ پ.م) که معاصر با مهرداد دوم اشکانی بود، به قدرت رسید.

در ارمنستان نیز تیگران - که مدتی به صورت گروگان در اختیار دربار اشکانی بود - به کمک مهرداد دوم اشکانی قدرت را در دست گرفت. تیگران از زمان دست‌یابی به تاج و تخت ارمنستان با کمک و حمایت اشکانیان در سال ۵-۹۶ قبل از میلاد، متحد وفادار مهرداد دوم اشکانی شد و دخترش را به ازدواج با پسر پادشاه اشکانی، مهرداد سوم درآورد. تیگران از توانایی همسایه قدرتمند شمالی خود نیز آگاه بود و روابطش را با مهرداد پونتوس از طریق ازدواج با دخترش کلئوپاترا تقویت نمود. مهرداد ششم (اوپاتور) نیز با این وصلت تیگران را به سوی خود جذب نمود تا به او کمک کند تا به کاپادوکیه حمله کند؛ چراکه مهرداد ششم اندیشه تشکیل کاپادوکیه بزرگ را در سر می‌پروراند. در حقیقت وی به دنبال درهم شکستن گسترش قلمرو رومیان در شرق و بنیان‌گذاری یک امپراتوری وسیع علیه آنان در آسیای کوچک بود (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۱۴۳). از طرف دیگر دخالت روم در امور کاپادوکیه باعث ارتباط بین ایران و روم در دوره سولا و مهرداد دوم، در سال ۹۶ پیش از میلاد و بستن پیمانی بین آن‌ها شد (Badian, 1959: 279-303). Cf. این رویداد به‌عنوان آغاز روابط ایران و روم، بسیاری از رخداد‌های منطقه میان‌رودان شمالی و قفقاز را تحت تأثیر خود قرارداد. چنان‌که رومی‌ها پس از مرگ سولا و در دوران پومپه، برای اولین بار نه‌تنها نفوذ خود را در مرزهای پیرامون فرات گسترش دادند، بلکه آن‌ها در منطقه میان‌رودان مرکزی نیز دخالت نمودند. این در حالی است که سلطه روم بر ارمنستان و اوسروئن در پایان جنگ‌های مهردادی با تعهدات پیشین روم با اشکانیان که در آن سولا (در ۹۶ ق.م) و همچنین لوکولوس (در ۶۹ ق.م) و خود پومپه (در ۶۶ سال قبل از میلاد) بر فرات به‌عنوان مرز بین دو قدرت تأکید شده بود، ناسازگار است.

این جستار با مطالعه تاریخ این دوره، به نقش مؤثر جنگ‌های مهرداد بر روابط بین ایران و روم و در نتیجه اتحاد مهرداد ششم پونتی و تیگران دوم ارمنی تأکید می‌کند. لازم به ذکر است که جنگ‌های مهرداد به جنگ‌هایی گفته می‌شود که بین دولت روم و مهرداد ششم (۱۲۰-۶۳ ق م) ملقب به اوپاتور صورت گرفته است. مهرداد در نخستین جنگ که از ۸۹ تا ۸۵ ق م طول کشید، با ساماندهی شهرهای شورشی یونان، قدرت در حال گسترش روم را با چالش جدی مواجه کرد؛ اما در نهایت مغلوب رومی‌ها، به رهبری سولا گردید و او ناچار به ترک همه فتوحات خود شد و به پونتوس عقب نشست. دومین جنگ مهرداد از ۸۳ تا ۸۱ ق م طول کشید. در این جنگ مهرداد سپاهیان مهاجم رومی به رهبری مورنا را شکست داد و هر دو طرف بدون نتیجه عقب نشستند. در سومین جنگ (۶۴-۷۴ ق م) که آخرین و طولانی‌ترین جنگ مهرداد با جمهوری روم بود، مهرداد ابتدا با لوکولوس و سپس با پومپه سرداران رومی به نبرد پرداخت. او بیتینیا را متصرف شد و پونتوس را از نو فتح کرد (۶۷-۶۸ ق م) اما از پومپه سردار رومی در ۶۶ ق م شکست خورد و به کریمه گریخت و سرانجام خودکشی کرد. در این نبرد هر دو طرف به همراه متحدین خود تمام شرق مدیترانه، آسیای کوچک، ارمنستان بزرگ، میان‌رودان شمالی و سوریه را به کام جنگ کشاندند و از جمله دست‌آوردهای این جنگ سقوط قدرت‌های پونتوس، سوریه و دست‌نشاندهی ارمنستان به جمهوری روم بود (Cf. Appian, Mithridatic War, 11-17, 64-66, 105; Plutarch, Sulla, 14-15; Lucolus, 14-31; Pompy, 33, 4; Dio Cassius, XXXVI, 53; Strabo, XI, 14; Magie, 1950: 321-366; Sherwin-White, McGing, 1984: 17; McGing, 1986: 151; Keaveney, 1992: 91- 1984: 132-186; Sullivan, 1990: 292; 280-296).

هرچند در سال‌های پایانی حکومت مهرداد دوم، موقعیت اشکانیان در میان‌رودان، در نتیجه پیوند زناشویی بین ایران و ارمنستان محکم شد و حتی اشکانیان برای مدت کوتاهی در امور سوریه مداخله کردند، اما بسیاری از مناطق تحت نفوذ اشکانیان، در نتیجه مشکلات داخلی و جنگ‌های جانشینی، توسط تیگران به قلمرو ارمنستان ضمیمه گشت. از آنجایی که تیگران گرفتار طرح‌های سیاسی و ارضی مهرداد ششم شد، نه تنها سراسر مدیترانه شرقی دچار تنش گردید بلکه در نتیجه این سیاست پای روم به سرزمین‌هایی کشیده شد که پیش‌تر از این یا جزو مناطق نفوذ اشکانیان و یا از سرزمین‌های تحت سلطه آن‌ها بودند. بنابراین با تشدید درگیری روم با مهرداد ششم و متحدش تیگران، روابط ایران و روم تحت شعاع جنگ‌های مهرداد قرار گرفت؛ زیرا در این مدت هر یک از

طرف‌های درگیر خواستار اتحاد با اشکانیان شدند و رویکرد شاهنشاهان اشکانی به این موضوع مسئله اصلی روابط ایران روم در این دوره را تشکیل می‌دهد. با در نظر گرفتن آغاز روابط بین ایران و روم در ارتباط با مسئله کاپادوکیه - در سده یکم پیش از میلاد- این پرسش اساسی مطرح می‌شود که دلیل جنگ‌های مهرداد۱ چه بوده و چه تأثیری در روابط دو قدرت ایران و روم در سده یکم پیش از میلاد داشته است؟

آنچه به‌عنوان فرضیه مطرح می‌شود این است که ضعف و زوال تدریجی قدرت سلوکیان در مناطقی از قفقاز و آسیای کوچک، به دنبال پیشروی اشکانیان به سمت غرب و رومیان به سمت شرق، منجر به قدرت‌گیری دودمان‌های ایرانی تبار در این مناطق شد و عملکرد خصمانه آن‌ها در مقابل پیشروی روم در این مناطق باعث شروع جنگ‌های مهرداد۱ شد. بی‌طرفی اشکانیان در این جنگ‌ها و دوام نزاع بین طرف‌های درگیر به مدت سه دهه زمینه تقویت قدرت دوباره اشکانیان را به‌گونه‌ای فراهم کرد که اندک زمانی پس از پایان این جنگ‌ها آن‌ها توانستند دولت روم - پیروز نهایی جنگ‌های مهرداد۱ - را شکست دهند و نفوذ مجدد خود را در قفقاز و آسیای کوچک احیا و سوریه و آسیای کوچک را هم دستخوش حملات خود سازند.

پیشینه تحقیق

کمبود داده‌های تاریخی از ایران و فقر روایات مورخان یونانی - رومی پیرامون حوادث ایران در این دوره کار مورخ را بسیار مشکل می‌کند و محقق مجبور می‌شود از شواهد اندک و از لابلائی روایات مورخان یونانی رومی و شواهد سکه‌شناسی و دیگر منابع کمکی اقدام به طرح فرضیاتی کند که اثبات آن‌ها نیازمند شواهد بیشتری خواهد بود. این تحقیق با تعمق در منابع یونانی و رومی و منابع سکه‌شناسی و باستان‌شناختی از ایران به کمک قوه تحلیل به دستاوردهایی نائل شده که دیگر محققان کمتر بدان توجه داشته‌اند. با این حال درباره پیشینه تحقیق بایستی اشاره کرد که اثر مستقلی در این باره نوشته نشده است، اما با این وجود بسیاری از محققین تاریخ اشکانی در لابه‌لای آثار خود، هنگام بحث درباره تاریخ اشکانیان (دیاکونوف، ۱۳۵۱؛ شیپمان، ۱۳۸۴؛ ولسکی، ۱۳۸۳؛ ورستاندیک؛ Assar, 2006; (Debevoise, 1938; College, 1967; Bivar, 1983; ۱۳۸۶) و روم (Assar, 2006; Badian, 1959; Butcher, 2003; Charlesworth, 1961; Elton, 1996; Keaveney, 1992; Lee, 1993; McGing, 1984; 1986; Sherwin-White, 1984; Sullivan, 1990;

(Seager, 2002)، به روابط ایران و روم پرداخته‌اند اما پیرامون نقش جنگ‌های مهرداد در روابط ایران و روم، با در نظر گرفتن نقش استراتژیک مناطق قفقاز، آسیای کوچک و میان‌رودان در روابط آن‌ها در سده یکم قبل از میلاد بسیار کم‌سخن رانده‌اند؛ از همین رو در این تحقیق تا حد امکان از تحلیل آن‌ها برای غنای محتوای پژوهش استفاده شده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

در باب اهمیت و ضرورت پژوهش باید خاطر نشان کرد که اکثر مورخان باستان در لابه‌لای نوشته‌های خود به جنگ‌های مهرداد پرداخته‌اند اما آن‌ها به امور داخلی ایران در این دوره توجهی نشان نداده‌اند. شناخت جایگاه اشکانیان در این جنگ‌ها و کنش و واکنش ایران به آن، ضعف و قوت اشکانیان را برای محقق امروزی روشن می‌کند و علل بسیاری از اقداماتشان در سیاست خارجی با توجه به مشکلات و موانع داخلی مشخص و باعث می‌شود که شناخت بهتری از تاریخ اشکانیان در این برهه زمانی حاصل شود.

نقش تیگران دوم در روابط ایران و روم در دوران دو جنگ نخست مهرداد

مهرداد ششم پس از خارج نمودن ارمنستان صغیر از دست آنتی پاتر همسایه دیواره‌دیوار ارمنستان بزرگ شد. از همین رو نزدیکی به دولت اشکانی که مقام سروری بر ارمنستان بزرگ داشت در کانون توجهات مهرداد اوپاتور قرار گرفت. احتمال زیادی مبنی بر این وجود دارد که مناسبات دولت اشکانی و پونتی‌ها که از حدود ۱۰۲ ق.م. برقرار شد، بیشتر به این دلیل بود که پونتی‌ها مایل بودند حداقل تضمین‌های امنیتی را از جانب ارمنستان بزرگ و خود اشکانیان دریافت کنند. شاید به همین دلیل است که درک وضعیت ارمنستان در آغاز سده یکم پیش از میلاد، کمک شایان توجهی به تحلیل اوضاع سیاسی حاکم بر این منطقه خواهد نمود. در حدود سال ۹۵ ق.م. بود که تیگران پس از حدود ربع قرن اقامت در دربار اشکانی، از سوی سرور خود مهرداد بزرگ آزاد شد و به حکومت ارمنستان دست‌یافت. ژوستن بیان می‌دارد که به تخت‌نشینی تیگران اقدامی کاملاً سنجیده از سوی شاه ایران بود تا از این طریق بتواند آمال مهرداد ششم پونتی را برآورده سازد. به نوشته ژوستن، مهرداد اوپاتور در جهت اغوا و تطمیع تیگران برای نبرد با رومیان که مدت‌ها ذهن او را به خود مشغول داشته بود کاملاً بی‌تابی نشان می‌داد (Justinus, XXXVIII.3.1). یورش تیگران به سوفن در سال ۹۵ ق.م. و انقیاد این ناحیه، مداخلات

تیگران بر ضد حاکم دست‌نشانده روم در کاپادوکیه و اینکه مهرداد اوپاتو دخترش را به عقد تیگران درآورد؛ همگی شواهد ارزنده‌ای را در ارتباط با نقشه‌های استراتژیک مهرداد اشکانی و مهرداد پونتی در قبال تیگران به تصویر می‌کشند. به‌وضوح می‌توان دریافت که با آمدن تیگران به عرصه، مهرداد پونتی توانست نفس تازه‌ای بکشد و دوره نوینی را در ارتباط باسیاست‌های خود به‌خصوص در زمینه فاز تهاجمی علیه روم و یا دست‌نشانندگان روم در آسیای کوچک آغاز کند. باید تأکید شود که همه این‌ها مدیون ابتکار عمل شاهنشاه اشکانی بود که باعث گردید قدرت رومیان در آسیای کوچک به چالش کشیده شود (Hojte, 2009:168-171).

در حال تیگران از زمان دست‌یابی به تاج و تخت ارمنستان، متحد وفادار مهرداد دوم اشکانی شد و با کمک به سپاهیان مهرداد ششم پونتی، با موفقیت آریوبرزن را از کاپادوکیه اخراج کردند (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۵۷). پادشاه پونت به این بهانه که کاپادوکیه تحت‌الحمایگی رومیان را پذیرفته است این سرزمین را اشغال کرد (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۱۴۴). تیگران که از توانایی همسایه قدرتمند شمالی خود آگاه بود را از طریق ازدواج با دختر مهرداد ششم پونتی (کلئوپاترا)، روابطش را با وی تقویت کرد و شاید به‌عنوان شرط این اتحاد، مهرداد ششم تیگران را جذب کرد تا به او کمک کند تا دوباره به کاپادوکیه حمله کند (Justinus, XXXIII, 3, 5). عاقبت تیگران با کمک دو تن از فرماندهان مهرداد ششم با موفقیت آریوبرزن را از کاپادوکیه اخراج کردند. در ادامه مهرداد، پسرش آریارات را (Justinus, XXXIII, 3 & 8; Appian, Mithridatic war, 12, 10) که بیش از سیزده سال نداشت بر تخت کاپادوکیه نشاند. این اقدام موجبات اولین جنگ او با روم را فراهم کرد (Justinus, XXXIII, 3 & 8; Appian, Mithridatic war, 12, 10). پس از آن مهرداد ششم کنسول‌های رومی را تعقیب کرد و توانست وارد بسفر، گالاتی و فریگیه شده و جزایر یونانی دریای اژه، تراکیه و حتی آتیک را اشغال کند. در این زمان (حدود سال ۸۷ ق.م) کرنلیوس سولا فرماندهی سپاه روم در شرق را بر عهده داشت و تلاش زیادی کرد که جلوی فتوحات مهرداد اوپاتور را بگیرد (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۱۴۴). برخورد قاطع میان آن‌ها در نبرد خرونه (Chaeronea) در سال ۸۶ قبل از میلاد اتفاق افتاد و سربازان رومی توانستند سپاهیان مهرداد را با وجود تعداد بسیار زیاد با شکست همراه سازند.

پس از آن پیروزی‌های بیشتری - در دریا و خشکی - در سال ۸۵ پیش از میلاد نصیب رومی‌ها شد؛ سرانجام مهرداد پس از این شکست‌ها مجبور به پذیرش معاهده صلح با سولا

شد و متعهد گردید که هیچ ادعایی بر سرزمین‌های خارج از پونت نداشته باشد؛ بنابراین اولین دوره جنگ‌های مهرداد با پیروزی رومیان به پایان رسید و دوباره رومیان توانستند کنترل خود را بر آسیای کوچک ادامه داده و پادشاهی پونت را با شکست بدرقه نمایند. از شواهد و قراین موجود در گزارش پوزیدونیوس آپامیایی (Poseidonios of Apameia) و آثار دیگر این‌گونه استنباط می‌شود که اتحاد سه جانبه‌ای میان ایران، ارمنستان و پونتوس در اواخر دهه ۹۰ و اوایل دهه ۸۰ قبل از میلاد، به دلیل مداخله در حال رشد روم در آسیای کوچک و به‌ویژه در امور کاپادوکیه به وجود آمد (Kidd, 1988: 23). روم نیز با نشان دادن دست‌نشانده خود بر تخت کاپادوکیه، نفوذ خود را به سواحل رودخانه فرات در آسیای کوچک گسترش داد و این باعث شد که اشکانیان برای سد کردن نفوذ روم در این مناطق، از در اتحاد با ارمنستان و پونتوس درآیند. در این رابطه آپیان می‌نویسد: پادشاه اشکانی پیمان عدم تعرضی با پادشاه پونت به امضا رسانده است (Appian, Mithridates, 15)، اما مدت‌زمان زیادی از این اتحاد نگذشته بود که پادشاهان ایران و ارمنستان به خاطر منافع کشور خود، به آن پایبند نماندند.

به‌رحال در منابع مختلف از ایران اشکانی به‌عنوان متحد اصلی پادشاهی پونت یاد شده است. ممنون هراکلیایی مورخ یونانی سده نخست هم به صورتی کاملاً صریح تأیید می‌کند که مهرداد پونتی به دنبال جلب یاری اشکانیان بر ضد رومیان بوده است. بنابر نوشته ممنون، مهرداد پونتی از طریق نبرد موفق شد پادشاهان اطراف رودخانه فازیس را تا مناطق آن‌سوی قفقاز تحت سطح خویش درآورد و بر شدت لاف‌زنی‌های خود بیفزاید. به همین دلیل رومیان اهداف او را با سوءظن می‌نگریستند و فرمانی خطاب به مهرداد صادر کردند و در آن از او خواستند که وی باید فرمانروایی‌های اجدادی شاهان سکایی را به خودشان بازگرداند. مهرداد در ظاهر به‌صورت متواضعانه خواسته‌های آنان را پذیرفت اما او اشکانیان، مادها، تیگران ارمنی، پادشاهان سکایی و ایبری را به‌عنوان متحد به‌سوی خود جلب نمود (Memnon, FGrH 434 F1, XXII.3-4). این گزارش ممنون برای برخی پژوهشگران کنونی، امری پوچ و شعارگونه و برای عده دیگر گزارشی منسجم و بدون هیچ‌گونه تناقض تلقی می‌شود. در کتاب ممنون هراکلیایی نام دولت اشکانی در صدر متحدین آمده است. مسئله جالبی که در این گزارش دیده می‌شود آن است که نام سرزمین حاصلخیز ماد در این منبع و برخی منابع دیگر جدا از نام اشکانیان آورده شده است. امری که در مورد ارمنستان که پادشاهی دست‌نشانده اشکانیان بود نیز دیده می‌شود.

درواقع شاهنشاهی اشکانی با پادشاهی‌ها و نواحی تحت اختیار خود، از جمله ارمنستان و ماد از نظر منابع مالی بسیار غنی بود. مهرداد ششم از اهمیت یک چنین پایگاهی برای هرگونه درگیری جدی با روم به‌خوبی آگاهی داشت. نام ایبری در این بین بیشتر جلب توجه می‌کند. باید گفت در اواخر سده دوم و اوایل سده نخست پیش از میلاد، ایبری در حوزه نفوذ اشکانیان بوده و به‌نوعی متعلق به ارمنستان است. سرازیر شدن سیل عظیم سکه‌های اشکانی از زمان مهرداد اول به ارمنستان و ایبری و آلبانیا این تصور را برای ما ایجاد می‌کند این کشورها به‌طور هم‌زمان تحت حوزه نفوذ اشکانیان درآمدن بوده‌اند. هرچند مهرداد پونتی سرزمین‌های ارمنستان صغیر و کولخیس را به تصرف خود درآورد اما تلاشی برای فتح ایبریا نکرد. شاید حکام ایبری همچون خاندان اشکانی ایران عمل کردند و سعی در اتحاد با مهرداد ششم نمودند. آپیانوس در گزارش خود ذکری از ایبری‌ها به‌عنوان متحدین مهرداد پونتی سخن به میان نمی‌آورد؛ اما از قبایل «آن سوی کلخیس و یونانیان دریای سیاه» نام می‌برد و احتمالاً ایبری‌ها را هم در زمره همین دستجات قرار می‌دهد (Hojte, 2009:170-171).

انگیزه تشکیل این اتحاد برای مهرداد پونتی به سال‌های آغازین قرن یکم قبل از میلاد - در پی هشدار ماریوس برای رویارویی با روم - برمی‌گردد (Plutarch, Antony, 31, 3)؛ در حقیقت دخالت روم در آسیای کوچک، از جانب پونتوس برای مدت طولانی قابل تحمل نبود. به همین دلیل وقتی سولا شرق را در سال ۹۳ قبل از میلاد ترک کرد، مهرداد و تیگران از این فرصت برای اخراج آریوبرزن از کاپادوکیه استفاده کردند. گزارش آپیانوس نیز تناقضی با گزارش ممنون هراکلیایی ندارد. طبق نوشته آپیانوس، پلوپیداس (Pelopidas) درست قبل از شروع نخستین جنگ مهرداد به عنوان نماینده پونتوس به‌صورت رسمی برای ژنرال‌های رومی سخنرانی می‌کند و در آنجا از اتحاد مهرداد پونتی با کلخیسی‌ها، یونانیان دریای سیاه، بربرهای ماورای آنان، مردمان ناحیه شمالی پونت، سکاها، سارماتاها، توریان‌ها (Taurians)، باستارنایی‌ها (Bastarnai)، تراکیایی‌ها و همه قبایل سرگردان و در حال تکاپو در اطراف رودخانه دن، دانوب، دریای آزوف و ارمنستان و ایران لاف سخن به میان می‌آورد. این امر نشان‌دهنده آن است که پادشاه پونتی به ملاحظات ماریوس توجه داشته است (Appian, Mithridatic War, 3, 15). مهرداد به آن‌ها اطمینان خاطر داد که منافعشان را در منطقه در برابر رومی‌ها حفظ کند، البته اشتغال رومیان برای سرکوب جنگ‌های داخلی که یکی از دردناک‌ترین و بزرگ‌ترین وقایع تاریخ

روم است، عزم او را بیش از پیش تقویت کرد (Salmon, 1962: 107). مجموع این عوامل موجب نزدیکی بیش از پیش ارمنستان و پونتوس به ایران اشکانی شد. این اتحاد در نتیجه زیاده‌طلبی تیگران و گرفتاری‌های داخلی اشکانیان از بین رفت تا جایی که نخست تیگران و سپس اشکانیان به صورت عملی تمایلی برای مبارزه با روم نشان ندادند؛ به عبارت دیگر از سویی اشکانیان مشغول سروسامان دادن به امور داخلی خود بودند و از سوی دیگر تیگران از این وضعیت برای تقویت و ترفیع خود در مناطق پیرامونی استفاده کرد و در نتیجه مهرداد ششم در میدان مبارزه با روم تنها ماند. در حقیقت مهرداد دوم شاه اشکانی در این زمان سیاست انفعالی نسبت به این قضیه در پیش گرفت؛ به صورتی که نه از خواسته‌های مهرداد اوپاتور حمایت می‌کرد و نه حامی زیاده‌طلبی‌های روم در سوریه بود. در پی درخواست آریوبرزن از روم برای کمک، اگرچه روم مشغول فرونشاندن جنگ اجتماعی بود، اما مجلس سنا در سال ۸۹ ق.م. دو تن از فرماندهان خود را به منظور نجاتش فرستاد (Justinus, XXXIII, 3, 4; Appian, Mithridatic War, 12, 11). در سال ۸۸ قبل از میلاد مهرداد توسط نیروهای آسیایی، گالاتی‌ها، پافلاگونی‌ها، کاپادوکیه‌ای‌ها و فریگی‌ها، به رهبری روم احاطه شد (Appian, Mithridatic War, 12, 3, 17, 11& 2) و او مجبور شد دوباره کاپادوکیه را ترک کند. متأسفانه در طی دوره دو جنگ اول مهرداد و پس از آن، منابع سکوت می‌کنند، اما با در نظر گرفتن خشم اشکانیان نسبت به رومیان و ترس از نفوذ آن‌ها در آسیای کوچک، احتمالاً ایرانیان تحت تأثیر اوضاع نابسامان داخلی خود قرار داشتند و احتمالاً در این زمان تنها با حفظ بی‌طرفی در جنگ‌های روم و پونت، چشم‌به‌راه اتفاقات آینده بودند.

بررسی برخی از اسناد دهه‌های آغازین قرن یکم نشان می‌دهد که اشکانیان گرفتار شورش مدعیان سلطنت بوده‌اند. یکی از این اسناد از شخصی بنام گودرز نام می‌برد که نخستین بار به‌عنوان ساتراپ ساتراپی‌ها، در حجاری‌های صخره‌ای در بیستون در کنار سه مقام دیگر در حضور مهرداد دوم، بین سال‌های ۱۲۰ تا ۱۱۰ قبل از میلاد ترسیم شده است. گودرز بعداً در بابل به‌عنوان پادشاه در یک مدح‌نامه که سال ۲۲۱ سلوکی، یعنی ۹۱-۹۰ ق.م، تاریخ‌گذاری شده است، با ملکه آشیاباتوم (Ashi'abatun) ظاهر می‌شود. این‌گونه به نظر می‌رسد که گودرز علیه پدرش شورش کرده و تخت سلطنتی بابل را برای خودش اشغال نموده است. لوحه نمی‌تواند مدت‌زمان طولانی پس از آن که او برای اولین بار کنترل بابل را به دست گرفت به وجود آمده باشد؛ زیرا شواهد کتبی وجود دارد

که نشان می‌دهد مهرداد دوم در اواسط سال ۹۲/۱ قبل از میلاد کنترل این منطقه را در دست داشته است (Herzfeld, 1920: 35; Debevoise, 1938: 44-5 & 48-49;) Colledge, 1967: 32-5; Minns, 1915: 34). تأثیر مستقیم این رویداد بر مهرداد دوم توسط منابع مشخص نشده است اما می‌توان تصور کرد که برنامه‌های توسعه طلبانه او به سمت مرزهای غرب فرات را که او احتمالاً قصد انجامش را داشت به شدت مختل کرده است.

تنها مورد دخالت اشکانیان در امور داخلی سوریه در آغاز دهه هشتاد پیش از میلاد است که به رهایی برویا از محاصره و دستگیری دمتریوس سوم منجر گردید (Josephus, Antiquitates Judaicae, XIII, 384-6). این حادثه پس از بازگشت دمتریوس از دخالت ناخوشایندش در امور یهودیان به سال ۸۸ قبل از میلاد رخ داد که به روی کار آمدن برادرش فیلیپ و دستگیری خود او و در نهایت مرگش در سال ۸۷ قبل از میلاد انجامید (Josephus, Antiquitates Judaicae, XIII, 376-9). به نظر می‌رسد با حضور دو تن از مدعیان تاج و تخت سلطنت اشکانی، یکی در بابل و دیگری در شمال و شرق یعنی سنتروک، مهرداد دوم حتی اگر نیروی کافی نیز در اختیار می‌داشت، نمی‌توانست اقدامی در جهت دخالت در امور داخلی سوریه انجام دهد.

بر پایه چنین شواهدی و گزارش پلوتارک درباره ضعف اشکانیان به دلیل وجود مدعیان داخلی (Plutarch, Lucolus, 36, 6)، می‌توان به وضع آشفته اشکانیان در این دوره پی برد و احتمالاً همین وضعیت باعث شد تا تیگران دوم از گرفتاری خاندان اشکانی استفاده کند و نه تنها هفتاد دره را از آن‌ها پس گرفت بلکه نفوذ خود را بر قلمروهای دست‌نشانده اشکانیان در شمال میان‌رودان، اسروئن گوردی‌ین، ماد آتروپاتن گستراند. وی پس از غارت سرزمین ماد، سوریه و سرزمین‌های ماورای فرات را که پیش‌ازین مهرداد دوم در سال ۹۳-۲ قبل از میلاد و مهرداد سوم در سال ۸۷ قبل از میلاد درصدد نفوذ در آنجا برآمده بودند و به علت گرفتاری‌های داخلی از آنجا عقب‌نشینی کرده بودند، به قلمرو خود افزود؛ اما در ادامه شکست او از روم باعث سلطه روم بر ایالت مهم سوریه و سرزمین‌های ماورای فرات شد. دوران ضعف و سستی اشکانیان و گرفتاری آن‌ها با غاصبان تاج و تخت، مصادف با جنگ‌های روم و مهرداد پونتی بود که تیگران ارمنی نیز با او متحد شده بود. احتمالاً ضعف داخلی حکومت اشکانی و ظهور غاصبان تاج و تخت در این دوران به اشکانیان اجازه قدرت‌نمایی نمی‌داد و یا شاید هم مترصد فرصتی بودند تا

با طولانی شدن جنگ، از ضعف هر دو طرف درگیر بیشتر بهره‌برداری کنند؛ زیرا اشکانیان هم از توسعه‌طلبی تیگران در طول این سال‌ها سرخورده بودند و هم از قدرت روبه رشد روم و نفوذش در آسیای کوچک و سوریه واهمه داشتند و می‌خواستند شاهد ضعف هر دو طرف درگیر باشند تا آسوده‌خاطر به وضع آشفته داخلی خود رسیدگی کنند.

به‌هرحال پس از مرگ مهرداد دوم، فرزند او گودرز یکم بر تخت نشست و احتمالاً اولین اقدام او مبارزه با ستروک یکی دیگر از مدعیان تاج و تخت سلطنت بود که تا نزدیکی‌های دجله پیشروی کرده و توانسته بود با حمایت سکاها مشکلاتی را برای اشکانیان در سال‌های آخر سلطنت مهرداد دوم فراهم آورد. گودرز یکم در طول سلطنت کوتاه خود توانست شر ستروک را از سر شاهنشاهی کم کند اما در جریان لشکرکشی به سوریه در سال‌های ۸۸/۷ قبل از میلاد جای خود را به برادرش مهرداد سوم داد که در سکه‌ها با عنوان ارشک تا سال ۸۰/۷۹ قبل از میلاد حکومت کرد و در این مدت به علت درگیری و مبارزه دائم با ارد یکم، یکی دیگر از مدعیان تاج و تخت شاهی، نتوانست در مقابل تهاجم تیگران که توانسته بود آدیابن، گوردین، نصیبین، آربلا و نینوا و ماد آتروپاتن را تسلیم خود کند (Strabo, XI, 14 & 15; Dio Cassius, 36, 6)، مقاومت کند و ظاهراً به ایالت پارت عقب نشست. تیگران پس از انتخاب لقب شاهنشاه برای خود به ماد و اکباتان پایتخت ارد یکم حمله کرد و پس از غارت ایالت ماد با مقاومت فئودال‌ها مواجه شد و در آپادانا منتهی‌الیه نقطه‌ای که پیشروی کرده بود متوقف شد و نتوانست اکباتان را تصرف کند (Isidore of Charax, Parthian Stations, 6). تیگران پس از رها کردن محاصره بی‌نتیجه اکباتان، به دعوت مهاجرنشین‌های یونانی به سوریه رفت و پس از اشغال انطاکیه در آنجا نماند و به محل شهر جدید خود تیگرانکرت (Tigranakert) به همراه هنرمندان و صنعتگرانی از سوریه، فنیقیه و میان‌رودان مراجعه کرد تا آنجا را به یکی از بزرگ‌ترین مراکز شرق درآورد (Plutarch, Lucullus, 14). حمله تیگران به قلمرو اشکانی احتمالاً موجب تضعیف جناح مهرداد و تقویت موضع ارد شد. فراوانی و رواج سکه‌های ارد در این دوران پرآشوب در اکباتان ری و حتی نسا، نشان‌دهنده موضع قوی ارد نسبت به مهرداد سوم است به‌گونه‌ای که تلاش مهرداد برای بازگرداندن اوضاع به شرایط قبل علیرغم تلاش او نتیجه نداد و مهرداد در سال ۸۰/۷۹ قبل از میلاد زمانی که ارد خود را برای بازپس‌گیری میان‌رودان مرکزی آماده می‌کرد درگذشت. کتیبه‌های میخی میان‌رودان پس از این تاریخ، ارد را به‌عنوان فرمانروای سلوکیه معرفی کرده‌اند.

روابط ایران و روم در سومین جنگ روم با مهرداد پونتی و تیگران ارمنی

روی کار آمدن ارد یکم نه تنها آشفتگی درونی خاندان اشکانی را ترمیم نکرد بلکه باعث تنش بیشتر بین نجبا و اشراف اشکانی شد و تنها با مرگ ارد یکم و روی کار آمدن سنتروک هشتادساله، به کمک سکا‌های شرقی در ۷۸/۷ قبل از میلاد، نزاع‌های دودمانی حل و فصل گردید. سنتروک بیش از هفت سال حکومت کرد و در سال ۷۲/۱ قبل از میلاد مهرداد پونتی از او برای جنگ علیه رومی‌ها کمک خواست اما سنتروک به او مدد نرساند و یک سال بعد از دنیا رفت و پسرش فرهاد سوم به جای او بر تخت نشست (Bivar, 1983: 44-5؛ مقایسه شود با: بیوار ۱۳۸۳: ۱۴۶). احتمالاً سنتروک در پی این بود که به امور داخلی شاهنشاهی بپردازد که در اواخر فرمانروایی مهرداد دوم، به علت ظهور شاهان غاصب، چنان ضعیف شده بود که تیگران ارمنی دست‌نشانده مهرداد دوم، نه تنها خود را از تحت‌الحما‌یگی اشکانیان رها نید بلکه مناطقی را که تا پیش‌ازین تحت نفوذ و یا زیر سلطه اشکانیان بود، به تصرف خود درآورد؛ بنابراین در این زمان اشکانیان رغبت چندانی برای مداخله در منازعات آسیای کوچک از خود نشان ندادند. همین بی‌رغبتی در ارمنستان نیز وجود داشت. تیگران پس از گوش ندادن به التماس‌های عاجزانه همسرش کلئوپاترا، در نهایت با اتحاد مجدد ارمنستان با پادشاهی پونت موافقت نمود. البته اتحاد تیگران - دشمن اشکانیان - با مهرداد پونتی خود می‌تواند دلیلی بر نپذیرفتن درخواست مهرداد از جانب سنتروک باشد؛ زیرا در صورت پیروزی مهرداد و متحد او تیگران بر رومی‌ها، احتمالاً در آینده در درگیری تیگران و اشکانیان خطر آن می‌رفت که مهرداد پونتی جانب داماد و متحدش تیگران را بگیرد.

پس از مرگ سنتروک فرمانروایی به پسرش فرهاد سوم (۷۰/۷۱-۵۷/۵۸ قبل از میلاد) رسید. در این دوران سومین جنگ مهرداد پونتی و متحدش تیگران با روم که از اواخر حکومت سنتروک آغاز گردید، در جریان بود و هر یک از طرف‌های درگیر خواهان رابطه با ایران شدند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۲-۱۴۱). به دنبال شکست نیروهای متحد از لوکولوس، مهرداد ششم به دربار دامادش تیگران دوم، شاه ارمنستان پناه برد. در واقع فرار مهرداد مانع از پیروزی کامل رومی‌ها شد (Plutarch, Lucullus, 19, 23; Appian, Mithridatic War. 83). گفته می‌شود که تیگران برای مدت ۲۰ ماه مهرداد ششم را در حالت انزوا پیش خود نگهداشت که از این اتفاق به‌عنوان نوعی اختلاف بین این دو متحد یاد کرده‌اند.

لوکولوس تا مادامی که مهرداد ششم را اسیر نمی‌کرد نمی‌توانست موفقیت‌هایش را در آسیا و به‌ویژه در پادشاهی پونتوس که هنوز امید برگشت مهرداد به آن نواحی می‌رفت، کامل کند و تنها در صورت اسارت او می‌توانست قدرت پادشاهی پونتوس را یک‌بار برای همیشه مغلوب خود کند (Sherwin-White, 1984: 171-73). به همین دلیل - لوکولوس نماینده تام‌الاختیار خود، کلودیوس را روانه ارمنستان کرد و از تیگران خواست که یا پدر زنش مهرداد را تسلیم روم کند و یا خود را آماده نبرد با روم کند (Plutarch, 83; Lucullus, 21; Appian, Mithridatic War, 83). تیگران درخواست روم برای استرداد مهرداد را رد کرد و لوکولوس در سال ۶۹ قبل از میلاد تهاجم به ارمنستان را آغاز کرد (Broughton, 1952: 106-109, 118; Magie, 1950: 336; Sherwin-White, 1984:) McGing, 1984: 17; McGing, 1986: 151; Keaveney, 1992: 172-173, 176-175; 91, 99-128). بنابراین لوکولوس به مصاف ارمنستانی رفت که در آنجا تیگران بزرگ حکومت می‌کرد که توانسته بود با استفاده از منازعات داخلی اشکانیان، نه تنها سراسر قلمرو میان‌رودان شمالی را به تصرف خود درآورد بلکه پس از آن کماگنه، کیلیکیه و سوریه را نیز به قلمرو خود منضم کرده بود. با این توصیف پیروزی لوکولوس بر تیگران که مهرداد ششم را نیز همراه خود داشت، چندان آسان نبود (Plutarch, Lucullus, 21. 2, 27.7, 29.7, 30.1; Dio Cassius, XXXVII, 5, 3-5; Sullivan, 1990: 97-99).

در نتیجه چنین فرایندی، فرهاد در سیاست خارجی با اوضاع کاملاً پیچیده‌ای مواجه بود؛ زیرا در شرایطی که روم می‌خواست به ارمنستان، همسایه شمالی ایران حمله کند، هر دو طرف برای جلب نظر فرهاد تلاش می‌کردند. نخست مهرداد ششم و تیگران پای پیش نهادند و در قبال اتحاد پادشاه اشکانی با آن‌ها، وعده استرداد هفتاد دره و مناطق متصرفی در شمال میان‌رودان را به فرهاد سوم پیشنهاد کردند، اما فرهاد نه تنها پیشنهاد آن‌ها را نپذیرفت، بلکه پیشنهاد اتحاد با روم را که از جانب لوکولوس مطرح شده بود نیز رد و بی‌طرفی در جنگ را اتخاذ کرد (شیپمان، ۱۳۸۴: ۴۲؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۴۲). قصد و نیت فرهاد از اتخاذ چنین تصمیمی در این شرایط، شاید کمک به تداوم جنگ بین دو طرف بود؛ زیرا هر قدر که جنگ بین متحدان و روم طولانی‌تر می‌شد، آن‌ها دچار ضعف شده و منافع دولت اشکانی نیز تامین می‌گشت.

جنگ ارمنستان نخستین جنگی بود که در آن نیروهای رومی به منطقه دجله در جنوب ارمنستان گسیل شدند. در آنجا لوکولوس بدون ائتلاف وقت به سوی تیگرانکرت، پایتخت

تیگران پیش رفت و به سپاه انبوه و پرشمار تیگران و مهرداد پونتی حمله برد. با وجود اینکه تعداد نیروهای آرامنه و مهرداد بیشمار بود اما رومی‌ها موفق به عقب راندن آن‌ها شدند. بار دیگر مهرداد پونتوس گریخت و به همراه تیگران به ارتفاعات شمالی ارمنستان متواری شد. سپس لوکولوس بدون جنگ و به صورت سامان‌مند پیشروی کرد و توانست کالبد پادشاهی ارمنستان را متلاشی کند. وی ابتدا دستور خلع سلاح کامل تیگرانکرت را صادر نمود و اسرایی را که به دست تیگران حبس شده بودند آزاد کرد. از خوش‌اقبالی لوکولوس این بود که فرهاد سوم شاه اشکانی شرایط مناسب برای مخالفت و مقابله با روم و لوکولوس را نداشت (Appian, Plutarch, Lucullus, 25. 4-7, 26.1, 27.5-28, 29.1-5; Dio Cassius, XXXVI, 50, 1. Mithridatic War, 67, 84-87). شاید می‌خواست از این فرصت با آسودگی خاطر برای سروسامان دادن به وضع آشفته داخلی و تقویت بیش‌ازپیش نیروهای نظامی خود استفاده کند تا در آینده اشکانیان برای هرگونه خطر احتمالی از جانب هر یک از طرف‌های درگیر و پیروز میدان آماده کند.

بنابراین توسعه‌طلبی روم در آسیای کوچک، موجب شد تا بار دیگر تاریخ اشکانی به موضوع مورد بحث مورخین رومی تبدیل شود. لوکولوس پس از پیروزی بر مهرداد پونتی و تیگران ارمنی و با وجود اینکه اشکانیان درخواست اتحاد هر دو طرف را رد کرده بودند، در نظر داشت که به قلمرو اشکانیان حمله کند اما با بی‌میلی سپاهیان مواجه شد و از این کار صرف‌نظر کرد (Bivar, 1983: 45-6). مقایسه شود با: بیوار (۱۳۸۳: ۱۴۸). پلوتارک (Plutarch, Lucullus, 30.1-4)، دلیل اشتیاق لوکولوس را در جنگ با اشکانیان کسب شهرت می‌داند. شاید هم لوکولوس از خطر احتمالی اشکانیان برای سرزمین‌های تحت تصرف روم در آسیای کوچک و قفقاز و شاید هم برای همراه کردن اشکانیان با خود، اقدام به تهدید اشکانیان کرد. با این وجود و با توجه به اینکه این حمله هرگز اتفاق نیفتاد، می‌توان گفت که سپاهیان وی جرئت حمله به سرزمین ناشناخته اشکانیان را نداشتند. به‌هرحال لوکولوس بی‌طرفی اشکانیان در نبرد روم با مهرداد پونتی و تیگران ارمنی را به‌منزله یک چراغ‌خطر برای پیشبرد کارهایش در آینده نزدیک می‌دید. شاید احضار او از طرف سنای روم چندان بی‌ارتباط با شورش‌هایی که به‌تازگی در پی تصمیم او برای مقابله با اشکانیان گرفته شد، نباشد.

رومی‌ها پس از مذاکره با اشکانیان به تیگرانکرت عقب نشستند و زمستان را در این شهر سپری کردند. پس از آن مهرداد ششم ارتش کوچکی را با خود به سمت پونتوس

روانه کرد و لوکولوس که انتظار دیدن دوباره شاه پونتوس را نداشت غافلگیر شد و مهرداد از این غافلگیری استفاده کرد و طی یک درگیری گروهی از لژیون‌های رومی را در هم شکست و سپس به ارمنستان کوچک برگشت تا نیروهای تحت هدایت تیگران را تقویت کند. لوکولوس آماده پیشروی به سمت مهرداد بود اما با مشاهده ارتش مهرداد که از حیث شمار بسیار زیاد بودند، دستور عقب‌نشینی به گالاتیه را صادر کرد تا در آنجا موضع دفاعی بگیرند. مهرداد که مانعی در پیشروی خود نمی‌دید جرئت بازگشت پیدا کرد و دوباره در پونتوس موضع گرفت. سنای روم در این زمان رأی به عزل و برکناری لوکولوس داد. سال بعد ژنرال پومپه مشهور به‌جای وی برگزیده شد و هدایت لشکریان روم در شرق را بر عهده گرفت (Plutarch, Lucullus, 31-5; Appian, Mithridatic War, 87-89; Dio Cassius, XXXVI, 4, 2-13). فرماندهی پومپه برای ادامه جنگ در سال ۶۶ قبل از میلاد و همین‌طور احضار لوکولوس در پی شورش در سپاه، به علت فقدان منابع به‌اندازه کافی روشن نیست و احتمالاً نشان‌دهنده وضع وخیم منطقه آسیای کوچک است که با ظهور رومیان - که تا آن زمان تقریباً تمام ملل این منطقه را به مدار نفوذ خود کشانده بود- مورد تهدید قرار گرفت (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۴۲). جایگزینی پومپه در شرق هرچند در آغاز در مناسبات بین ایران و روم تغییری به وجود نیاورد اما با این‌همه از گزارش دیوکاسیوس (Cassius, XXXVI, 45-46 Dio) این‌گونه استنباط می‌شود که پومپه مرز فرات را به رسمیت شناخت و دست فرهاد را برای اشغال مناطقی که پیش‌ازین تیگران و مهرداد در قبال اتحاد با اشکانیان وعده کرده بودند باز گذاشت. پومپه ابتدا سپاهیان رومی را از استان‌های مختلف آسیای کوچک جمع‌آوری و با باقیمانده لشکر لوکولوس ترکیب کرد؛ بنابراین آغاز کار وی با تشکیل نیروی ۴۵ هزار نفری همراه گردید. مهرداد نیز که از زمان مقابله با روم تا این زمان بهبودی حاصل کرده بود، قادر به جمع‌آوری بیش از ۳۰ هزار پیاده‌نظام و ۲ یا ۳ هزار نیروی سواره نشد. هرچند منابع به‌صورت آشکار ما را در این برهه یاری نمی‌کنند، اما جنگ نهایی میان لشکر روم و مهرداد پونتوس در دره بالای لیکوپولیس صورت پذیرفت که رومی‌ها توانستند سپاهیان مهرداد را شکست دهند. سهولت تعیین مسیر لژیون‌ها و تعقیب سپاهیان مهرداد، عملکرد اعجاب‌آور رومیان در آسیای آن زمان را نشان می‌دهد. پومپه با وجود برتری نظامی، همانند لوکولوس موفق به دستگیری مهرداد که بار دیگر به ارمنستان کوچک گریخت، نشد (Plutarch, Pompey, 28.1,32. 1-12; Appian, Mithridatic War, 96-100; Dio)

پومپه علیه مهرداد پونتی، فرهاد سوم نیز در نتیجه اوضاع آشفته سیاسی داخلی خاندان آرتاکسی ارمنستان، به دنبال شورش تیگران کوچک علیه پدر و پناهندگی اش به دربار فرهاد و ازدواج با دختر شهریار اشکانی به ارمنستان لشکر کشید؛ اما لشکرکشی فرهاد به ارمنستان موفقیت چندانی به دنبال نداشت زیرا شهریار اشکانی در جریان محاصره آرتاکساتا (Artaxata) با بخشی از سپاه خود به پایتخت بازگشت و تیگران کوچک را با بخشی از سپاه اشکانیان در محاصره آرتاکساتا رها کرد؛ این اقدام موجب شد تا تیگران پدر، پسر را شکست دهد (Dio Cassius, XXXVI, 51-2). پس از این اقدام بود که تیگران کوچک به ناچار به پومپه پناه برد که قصد تصرف ارمنستان کرده بود. تیگران پدر در جریان این جنگ خود را تسلیم رومیان کرد و پومپه او را به عنوان پادشاه دست‌نشانده روم در ارمنستان به رسمیت شناخت. وی تیگران را درازای پرداخت ۶۰۰۰ تالانت غرامت جنگی به روم، به عنوان دست‌نشانده روم بر تخت ارمنستان نشاند و پادشاه ارمنستان را مجبور کرد از ادعاهایش بر ایالات تسخیرشده در طول فرمانروایی اش دست بکشد (Appian, Mithridatic War, 105; Plutarch, Pompey, 33, 4; Dio Cassius, XXXVI,)

۵۳، ۲-۵; Strabo, XI, 14, 10). باینکه بسیاری از این سرزمین‌ها در تهاجم لوکولوس در ۶۹ ق م به ارمنستان، از دست تیگران خارج شد (Manandian, 1963: 123-124; Sullivan, 1990: 280-281). اما شاه ارمنستان مدعی سلطه بر این سرزمین‌ها بود که پومپه او را از حق ادعای بر آن‌ها در سال ۶۶ قبل از میلاد محروم کرد. پومپه بخش کاپادوکیه را که تیگران در سال ۶۷ قبل از میلاد به ارمنستان منضم کرده بود از ارمنستان جدا کرد (Sullivan, 1990: 281.) و شرق فرات، ایبری، آلبانی و ماد آتروپاتن را که تحت نفوذ ارمنستان بودند رها کرد و آن‌ها را مستقل اعلام کرد (Sullivan, 1990: 292; 295-296).

چنین تصمیماتی از جانب پومپه، باعث عدم رضایت تیگران کوچک شد که مطابق گزارش پلوتارک و دیوکاسیوس تنها منطقه سوفنه (Plutarch, Pompey, 33, 4; Dio Cassius, XXXVI, 53, 2) و بر اساس گزارش آپیان (Appian, Mith. 105)، گوردین را نیز دریافت کرده بود؛ با این وجود برخی گزارش آپیان را بدون آنکه دلیلی برای اثبات آن بیاورند ترجیح می‌دهند (Asdourian, 1911: 46; Will, 1967: 422; Wirth, 1983: 18) و برخی دیگر گزارش آپیان را که بر اساس آن هر دو سوفنه و گوردینه به تیگران

کوچک اختصاص داده شده را به دلیل خطای جغرافیایی آپیان از موقعیت این دو ایالت رد می‌کنند (Manandian, 1963: 175; Sullivan, 1990: 285). باین همه اکثر دانشمندان این حوزه بی‌تردید دنبال سنت‌هایی هستند که به وسیله پلوتارک و دیو کاسیوس به ما ترجمان شده است (-Grousset, 1947: 98; Gelzer, 1949: 94; Magie, 1950: 357-). به‌رحال نارضایتی تیگران پسر موجب شد تا پومپه او را زندانی کند و سوفنه را به فرمانروای کاپادوکیه برگرداند (-Sherwin-White, 1984: 195; Chahin, 1987: 236; Seager, 2002: 56). دفع حمله فرهاد سوم به آنجا در اختیار تیگران بزرگ قرار دهد (Plutarch, Pomp. Dio, 37.5.3-4; Dio, 36.2). از آنجایی که مناطق هفتاد دره که تیگران آن را در ازای تاج و تخت خود در اختیار مهرداد دوم قرار داده بود در این نواحی قرار داشت (Strabo, 11.14.15; Sherwin-White, 1984: 223; Syme, 1995: 55) و مهرداد دوم این مناطق را به دلیل موقعیت استراتژیک آن، برای حفاظت از میان‌رودان و فشار بر سوریه از تیگران گرفته بود، روم نمی‌خواست این مناطق بار دیگر به چنگ اشکانیان بیافتد و به همین دلیل روم ترجیح داد این مناطق مهم در دست دولت دست‌نشانده خود باقی بماند.

پومپه پس از شکست قطعی مهرداد پونتی و تسلیم تیگران ارمنی، خود را بی‌نیاز از کمک فرهاد سوم دید و به همین دلیل وقتی تیگران کوچک، داماد فرهاد سوم نارضایتی خود را از او اعلام کرد پومپه از ترس اینکه او دوباره با فرهاد سوم متحد شود، او را به زنجیر کشید و درخواست فرهاد سوم برای رهایی تیگران کوچک را رد کرد. قطعاً روابط میان ایران و روم در این زمان تیره شده بود و شاید علت آن حول محور ارمنستان بود که اشکانیان از دیرباز خود را ذی‌نفع در مسئله ارمنستان می‌دیدند و حال که روم توانسته بود با اعمال نفوذ در این سرزمین جایگاه اشکانیان را در منطقه نادیده بگیرد، عکس‌العمل اشکانیان اجتناب‌ناپذیر بود.

در گزارش آپیان آمده است که پومپه پس از ساماندهی ارمنستان در جهت غرب با عبور از کوه‌های توروس با آنتیوخوس یکم پادشاه کماگنه درگیر شد و سپس با داریوش مادی جنگید و او را مجبور به فرار کرد، زیرا داریوش به آنتیوخوس و قبل از آن به تیگران کمک کرده بود (Appian, The Mithridatic Wars, 106). اما گزارش پلوتارک و دیوکاسیوس، برخلاف گزارش آپیان از حرکت پومپه به سمت شمال خبر می‌دهند و

هر دو گزارش‌های متفاوتی از عملیات پومپه در سرزمین‌های کوهستانی قفقاز و کلخیس ارائه می‌دهند (Plutarch, Pompey, 33-36, 1; Dio Cassius, XXXVI, 54).

البته انگیزه‌های واقعی پومپه از لشکرکشی به قفقاز اتحاد و تحت سلطه درآوردن ایالات پیشین تحت تصرف تیگران بود (Plutarch, Pompey, 34-36; Dio Cassius, XXXVI, 53)، چراکه پیروزی بر مهرداد و تیگران او را راضی نمی‌کرد به همین دلیل او شروع به گسترش مرزهای روم کرد تا با این کار شهرت و اعتبار کسب کند (Magie, 1950: 358-59; Sherwin-White, 1984: 195-200). شاهد این مدعا این است که حتی پس از عقب‌نشینی پومپه از قفقاز، استان‌های آسیایی روم حکومت رومی‌ها را به رسمیت شناختند و حتی شاهزاده دست‌نشانده او را بر تخت پونتوس پذیرفتند. این همه شاید به دلیل اقداماتی بود که پومپه نه تنها در دو شهر مگالو و زلا که در مسیر راه تجاری مهم دریای سیاه و آماسیا و تومیسا بودند، بلکه پنج شهر نیکو، دیوس، مگنو، نیپو و پمپی که در راستای مسیرهای پررفت‌وآمد تجاری بیتینیا و ارمنستان قرار داشتند رونق داد و با بهره‌برداری از شبکه راه‌های سودمند تجاری میان‌رودان که وابسته به اهمیت اقتصادی ارمنستان بودند (Magie, 1950: 370)، نفوذ خود را در ارمنستان و قفقاز تثبیت کرد.

هرچند بر اساس گفته‌های ایزودور خارکسی درباره چاپارخانه‌های اشکانی، جاده ابریشم از سلوکیه می‌گذشت و از طریق سوریه، کالا به سرتاسر مدیترانه برده می‌شد و این مسیر جنوبی راه‌های تجاری ارمنستان را غیرضروری می‌نمود (Sherwin-White, 1984: 200-201)؛ اما باین‌همه اکثر محققان این دیدگاه را نمی‌پذیرند و اظهار می‌دارند که جنگ داخلی در دولت اشکانی و دشمنی شاهان میان‌رودان باعث تغییر و توسعه مسیر تجاری رومیان به هند و چین شده بود و رومی‌ها سعی بر حراست و نفوذ در ارمنستان و قفقاز داشته‌اند تا مشکل وابستگی تجاری به اشکانیان که استرابون (Strabo, XI, 15, 8) از راه تجاری قفقاز و دریای خزر به آزوف سخن گفته را خاتمه دهند (Charlesworth, 1961: 105-7; Debevoise, 1938: 163-64, 204).

بنابراین در زمانی که پومپه به خاطر تثبیت قدرت روم در منطقه، دست به لشکرکشی‌هایی زده بود، فرهاد سوم نیز به گوردینه تحت نفوذ تیگران لشکر کشید و پومپه برای مقابله با فرهاد به آسیای کوچک عقب نشست و نیروهایی تحت امر آفریانوس را برای مقابله با فرهاد گسیل کرد و آفریانوس موفق شد اشکانیان را تا اربیل در شمال میان‌رودان عقب براند (Plutarch, Pompey, 33-36, 2). در نهایت مطابق گزارش

دیوکاسیوس اشکانیان پس از زدوخوردهای متعدد با ارمنستان و پادرمیانی پومپه برای خاتمه درگیری موافقت کردند که به جای پیکار با همدیگر که در واقع به سود دشمن مشترکشان روم خواهد بود، تیگران گوردینه و نصیبین و فرهاد آدیابنه را تحت نفوذ خود داشته باشد (Dio Cassius, XXXVII, 5, 2-5; 6). از بزرگ‌ترین دستاوردهای ارضی رومیان در دوره جنگ‌های مهرداد، بایستی به سوریه اشاره کرد که در سال ۶۵ قبل از میلاد توسط پومپه تبدیل به یکی از ایالات روم شده بود. علاوه بر آن مرز ایران و روم به رودخانه فرات رسید. در واقع فرات به‌عنوان مرز نمادین بین ایران و روم در خاور نزدیک تبدیل گشت (Butcher, 2003: 32; Elton, 1996: 4; Wheeler, 1952: 114;) (Biffi, 2002: 170-1; Sherwin-White, 1984: 222).

نتیجه

ضعف و زوال تدریجی قدرت سلوکیان و جانشینان اسکندر در ایران توسط اشکانیان و در آسیای کوچک توسط رومیان، منجر به شکل‌گیری و تقویت تدریجی حکومت خاندان‌های ایرانی‌تبار در مناطقی از آسیای کوچک و قفقاز شد. این حاکمان پس از رهایی از سلطه سلوکیان و مقدونیان به دنبال احیای قدرت خود، خواهان ممانعت از رشد و پیشروی اشکانیان و رومیان به این مناطق بودند، اما اقتدار روم به رشد رومیان در غرب و اشکانیان در شرق این مناطق، اجازه‌ی بازیابی قدرت را از این خاندان سلب کرد. با این‌همه مشکلات داخلی اشکانیان و مشکلات جنگ‌های اجتماعی در مناطق تحت تصرف روم باعث شد که ارمنستان به رهبری تیگران دوم و پونت به رهبری مهرداد ششم پونتی در آسیای کوچک نه‌تنها خود را از زیر نفوذ قدرت ایران و روم برهانند، بلکه مشکلات ارضی را برای این دو قدرت به وجود آورند. این قبیل اقدامات خصمانه دولت‌های ایرانی‌تبار در مناطق تحت نفوذ ایران و روم، زمینه برای شعله‌ور شدن جنگ‌های مهرداد فراهم کرد.

هرچند اشکانیان در آغاز جنگ‌های مهرداد برای سد کردن نفوذ روم در این مناطق، از در اتحاد با ارمنستان و پونتوس درآمدند، اما در طی دوره جنگ نخست و دوم مهرداد و پس‌از آن به خاطر مشکلات داخلی، نه‌تنها از اقدامات تیگران به‌شدت خشمگین بودند بلکه نسبت به رومیان نیز به خاطر نفوذ آن‌ها در آسیای کوچک بدبین گردیدند؛ بنابراین با حفظ بی‌طرفی در این جنگ‌ها چشم‌به‌راه اتفاقات آینده شدند؛ زیرا ضعف داخلی

حکومت اشکانی و ظهور غاصبان تاج و تخت در این دوران به اشکانیان اجازه قدرت‌نمایی نمی‌داد و یا شاید هم مترصد فرصتی بودند تا با طولانی شدن جنگ، از ضعف هر دو طرف درگیر بیشتر بهره‌برداری کنند تا با آسودگی خاطر به وضع آشفته داخلی خود رسیدگی نمایند.

این سیاست بخصوص در جریان جنگ سوم مهرداد که هر دو طرف برای جلب نظر شاهنشاه اشکانی تلاش می‌کردند، با احتیاط بیشتری ادامه پیدا کرد و اشکانیان بی‌طرفی خود را در این جنگ به هر دو طرف درگیر گوشزد کردند. پیروزی اشکانیان به فاصله اندکی پس از جنگ‌های مهرداد بر روم در نبرد سرنوشت‌ساز کرهه و احیای نفوذ دوباره خود بر آسیای کوچک و قفقاز نشان از سیاست درست آن‌ها در قبال جنگ‌های مهرداد است و نشان‌دهنده تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مثبت اشکانیان از جنگ‌های مهرداد قلمداد می‌شود که مورخان به دلیل فقدان منابع کافی و نگاه یک‌جانبه به سیاست‌های روم و نادیده گرفتن عملکرد اشکانیان، از این موضوع صرف‌نظر کرده‌اند.

فهرست منابع و مآخذ:

- بیوار، ا. د. ه (۱۳۸۳). «تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان»، تاریخ ایران، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، قسمت اول، تهران: امیرکبیر.
- دیاکونوف، م. م. (۱۳۵۱). *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز.
- ورستاندیک، آندر (۱۳۸۶). *تاریخ امپراتوری اشکانیان*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: جامی.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۳). *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.

- Appian, (1958). *Appian's Roman History*, translated by Horace White, Loeb Classical Library: Cambridge, MA.
- Asdourian, P. (1911). *Armenien und Rome*, Venice.
- Assar, G. R. F. (2006). "A Revised Parthian Chronology of the Period 165-91 BC", *Electrum* 11: 87-158.
- Badian, E. (2002). "Sulla's Cilician Command", *Athenaeum* 37: 279-303.

- Biffi, N. (2002). *Il Medio Oriente di Strabone: Libro XVI della Geografia*, Bari: Edipuglia.
- Bivar, A.D.H. (1983). “The Political History of Iran under the Arsacids”, in E. Yarshater (ed.), *The Cambridge History of Iran*. Vol. 3 (1): The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods, Cambridge: Cambridge University Press: 21-99.
- Broughton, T. R. S. (1952). *The Magistrates of the Roman Republic*. Volume II: 99 B.c–31 B.G. (Philological Monographs, XV.) Pp. ix+647. New York: American Philological Association (to be ordered through Blackwell, Oxford).
- Butcher, K. (2003). *Roman Syria and the Near East*, London: The British Museum Press.
- Chahin, M. (1987). *The Kingdom of Armenia*, London.
- Charlesworth, M. P. (1961). *Trade Routes and Commerce of the Roman Empire*. Cambridge: Cambridge University Press.
- College, M.A.R. (1967). *The Parthians*, London: Thames & Hudson.
- Comfort, A. M. (2008). *Roads on the frontier between Rome and Persia: Euphratesia, Osrhoene and Mesopotamia from A.D. 363 to 602*. PhD Thesis. Exeter: University of Exeter.
- Debevoise, N.C. (1938). *A political history of Parthia*, Chicago: University of Chicago Press.
- Dio Cassius, (1955). *Roman history*, translated by Earnest Cavary, Harvard University.
- Elton, H. (1996). *Frontiers of the Roman Empire*, Bloomington: University of Indiana Press.
- Gelzer, M. (1949). *Pompeius*, Munich.
- Grousset, R. (1947). *Histoire de l'Arménie des origines à 1071*, Paris.
- Herzfeld, E. (1920). *Am Tor von Asien*, Berlin.
- Hojte, Jakob Munk, (2009). *Mithridates VI and the Pontic Kingdom (BLACK SEA STUDIES)*, Aarhus University Press and the authors.
- Isidore of Charax, (1969). *Parthian Stations*, trans. W. H. Schoff, Chicago.
- Josephus, (1969). *Antiquities of the Jewes*, translated Louis H Feldman, Harvard University.
- Justin, (1890). *History Of World, Extracted From Trogus Pomoeius*, translated by John Selby Watson.
- Keaveney, A. (1992). *Lucullus: a Life*, London.
- Kidd, I. G. (1998). *Posidonius*, Volume II, The Commentary: (i) Testimonia and Fragments 1–149 & (ii) Fragments 150–293; Cambridge: Cambridge University Press.

- Lee, A. D.(1993). *Information and Frontiers: Roman Foreign Relations in Late Antiquity*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Magie, D.(1950). *Roman Rule in Asia Minor to the End of the Third Century after Christ*. Vol. 1: Text. Princeton, NJ.
- Manandian, H.(1963). *Tigranes II et Rome*, transl. H Thorossian, Lisbon.
- McGing, B.(1984). ‘*The date of the outbreak of the Third Mithridatic War*’, Phoenix38, 12-18.
- McGing, B.(1986). *The Foreign Policy of Mithridates VI Eupator King of Pontus*, Leiden.
- Memnon, (2020). *History of Heracleia*, Retrieved 19 September from <http://www.attalus.org/translate/memnon1.html>
- Minns, E. H.(1915). “*Parchments of the Parthian Period from Avroman in Kurdistan*”, JHS 35.
- Plutarch, (1919). *Plutarch Lives*, ed and tr. B. Perrin, Loeb Classical Library.
- *Posidonius of Apamea* (1999). *The Translation of the Fragments:Vol.1-3*: Cambridge University Press.
- Salmon, E. T.(1962). “*The Cause of the Social War*”, Pheonix Vol. 16.
- Seager, R.(2002). *Pompey the Great: a Political Biography*, Oxford.
- Sherwin-White A. N.(1984). *Roman Foreign Policy in the East: 168 BC to AD I*, Norman.
- Shore, F. B.(1993). *Parthian Coins and History—Ten Dragons Against Rome*, Pennsylvania.
- Strabo,(1854-57). *Strabo's Geography* in three volumes as translated by H.C. Hamilton, ed. H.G. Bohn.
- Sullivan, R. D.(1990). *Near Eastern Royalty and Rome, 100-30 BC*, Toronto.
- Syme, Anatolica, (1995). *Studies in Strabo*, ed. by A. Birley, Oxford.
- Wheeler, R.E.(1952). ‘*The Roman Frontier in Mesopotamia*’, in Birley, *The Congress of Roman Frontier Studies*: 112–28.
- Will, E.(1967). *Histoire politique du monde hellénistique (323-30 av. J.-C) II: Des Avènements d’Antiochos III et de Philippe V à la fin des Lagides*, Nancy.
- Wirth, G.(1983). ‘*Pompeius – Armenien – Parther. Mutmassungen zur Bewältigung einer Krisensituation*’, BJ 183: 1-60.

Investigating the Relations Between Iran and Rome (Focusing on the Mithridatic Wars) in the 1st Century BC

Mohammad Maleki; * *Parviz Hossein Talaei*; **
Alireza Soleimanzadeh ***

Abstract

The first diplomatic relation between Iran and Rome came as a result of the confluence of Parthian interests with the Roman Republic in Anatolia. The alliance of Mehrdad VI (Pontic) with the Second Tigers (Armenian) and their involvement in the affairs of Cappadocia made Rome set foot in the Anatolian lands. In fact, the arrival of the Romans in this region created a challenge in the relations between Iran and Rome that continued until the end of the Parthian Empire. The present research thus aims to explicate and analyze the relation between Iran and Rome during the Mithridatic Wars. Historical description and analysis indicate that after the reign of Mehrdad II and the emergence of the claimants to the throne, the Parthian empire fell into decline. In such a situation, Rome, aware of the internal problems of the Parthians, attempted to infiltrate Asia Minor and the Caucasus, and on the other hand, the Second Tigers first used the opportunity to invade the Parthian territory to expand their influence westward and into Syria. He later fought with Rome through an alliance with Mehrdad VI. And the Parthians, by pursuing a policy of negative balance in the Mithridatic wars, could regain their former bases in Asia Minor and the Caucasus within a short time.

Keywords: Iran, Rome, Second Tigers, Mehrdad VI, Mithridatic Wars.

* PhD in History of Ancient Iran, Department of History of University of Tehran & University Lecturer; Email: mohammadmaleki@ut.ac.ir

** Corresponding Author: Faculty Member, Department of History, Shahid Bahnor University of Kerman; Email: parviztalaei@uk.ac.ir

*** Faculty Member, Department of History; University of Sistan and Baluchestan; Email: soleymanzade@lihu.usb.ac.ir

| Received: October 31, 2020; Accepted: March 15, 2021 |

DOI:10.29252/HSOW.5.1.119 |